



# منزلگاههای راه‌شاهی

(منزلگاه گچکران)



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

از

سید علی‌اصغر میرفتاح

(فوق لیسانسیه باستانشناسی)



زلف کابخال مدرسه لهنه لهنه

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

# منزلگاههای راه شاهی

(منزلگاه گچکران)

**کتابخانه مدرسه لایحه لایحه**

یکی از غنی‌ترین و پرشکوه‌ترین جلوه‌گاه هنرهای ایرانی از قدیم‌ترین زمانها پدیده‌های معماری آن بوده است. معماران هر دوره برای خلق بهترین اثر هنری دیگر هنرها را در خدمت گرفته و آثاری چشمگیر پدید آورده‌اند. بیشتر بناهای عظیم و پرشکوه تاریخی در خدمت دین و آئین یا شهریاران بوجود آمده است و معماران آنچنان استادانه اثری را بوجود آورده‌اند که مطالعه هر گوشه آنها مدت‌ها وقت می‌خواهد و سالیان دراز عمر.

در سالهای دور بعلت عدم وجود راههای ارتباطی بسیاری از آثار ارزنده معماری این مرزوبوم ناشناخته بوده و محققین برای شناخت هر دوره فقط بمعدود آثاری که در دسترسشان قرار داشت پرداخته بودند. خوشبختانه در سالهای اخیر این نقص تا حدی چشمگیر از بین رفته است.

بعلت وجود راههای ارتباطی آثار زیادی شناخته شده و در دیدگاه پژوهشگران قرار گرفته است. براین اساس نکات بسیاری از تمدن ادوار مختلف مورد تحقیق است و ممرور ناشناخته‌ها روشن میگردد و باگذشت زمان برغنای فرهنگ این خاک پاک افزوده خواهد شد.

آنچه در ذیل خواهد آمد دنباله تحقیق عده‌ای پژوهشگر برای شناخت راه شاهی از تخت جمشید به شوش و منزلگاههای آن میباشد که با شناخت این منزلگاهها گوشه‌ای از معماری هخامنشیان روشن میگردد.

سالیان دراز است که عده‌ای مشتاق و شیفته تمدن هخامنشی ب جستجوی این منزلگاهها کوه و کمرها را در نور دیده و سختی را بجان خریده‌اند تا مسیر آنها دریابند مسیری را که شاهان در آن قدم گذارده‌اند. با حدس و گمان و اندک آثار بدست آمده حدود و ثغور راه شاهی معین گشته است.

«جاده شاهی بین شوش و تخت جمشید یکی از مهمترین»  
 «بخشهای شبکه راهبانی بود که مراکز مهم کشور وسیع هخامنشی»  
 «را بهم مربوط میساخت بعضی از قسمتهای این راه که سنگ»  
 «فرش شده بود از زیر خاک بیرون آمده است»

«بطور کلی چنین می‌پنداشتند خط سیر این جاده که از»  
 «شوش آغاز میشده بعد از فهلیان بطرف مشرق، از نواحی واقع»  
 «در شمال کازرون و احتمالاً از حول و حوش شیراز کنونی می‌گذشته»  
 «و تا تخت جمشید ادامه می‌یافته است. چنانکه دلایل موجود در»  
 «نظر آورده شود میتوان تصور کرد که جاده شاهی از سروان»  
 «(فهلیان) بطرف جنوب شرقی امتداد می‌یافته و از نواحی بیشاپور»  
 «و کازرون و جره و فراشبند و فیروزآباد می‌گذشته و سپس بطرف»  
 «شمال کشیده میشده و از مشرق شیراز بفاصله ۱۲ کیلو متری»  
 «این شهر عبور میکرده و به تخت جمشید پایان می‌یافته است.»<sup>۱</sup>

۱- نقل از متن سخنرانی آقای سید محمد تقی مصطفوی در چهارمین کنگره تحقیقات ایران‌شناسی در واشنگتن تحت عنوان منزلگاههای چند از جاده هخامنشی بین شوش و تخت جمشید.

## بعبارت دیگر

« جاده شاهی تخت جمشید شوش از تخت جمشید بطرف قصر ابونصر »  
 « بوده و از آنجا به فرمشگان و فیروزآباد میرفته و از فرشبند و جره »  
 « و کازرون و بیشابور عبور نموده و به سروان میرسیده است . »  
 ( نقشه شماره ۱ )

با کشف منزلگاه گچکران مسافرین قبل از رسیدن به منزلگاه سروان منزلگاه گچکران را می دیده اند .

« جاده بین شوش و تخت جمشید برای مسافرت های خانوادگی شاهی »  
 « مورد استفاده قرار میگرفته است و پرفسور گیرشمن اظهار »  
 « میدارد که این معبر دائماً مورد رفت و آمد اعضاء خانواده شاهی »  
 « بوده است »

منزلگاههای راه شاهی علاوه بر محل سکونت میتوانسته است بصورت دژ نظامی مورد استفاده قرار گرفته باشد . چه این راه از گذرگاههای صعب العبور میگذشته که قبایل مختلف باחס مالکیت منطقه در آنجا ساکن بوده اند . در متن سخنرانی آقای سید محمد تقی مصطفوی در چهارمین کنگره تحقیقات ایران شناسی درواشنگتن تحت عنوان منزلگاههای چند از جاده هخامنشی بین شوش و تخت جمشید آمده است که « در نواحی کوهستانی فمهلان قبایل دلیری مانند اکسیمها از اسکندر حق عبور گرفته اند . »

از منزلگاههای راه شاهی تاکنون منزلگاههای قصر ابونصر ، تپه حکوان ( فرمشگان ) فیروزآباد بالا ده ( جره ) سروان و گچکران ( مورد بحث این مقاله ) شناخته شده است .

« پرفسور گیرشمن در کتاب خود راجع به بیشابور و کازرون »  
 « مینویسد که راه شاهی از کنار این شهر عبور میکرده است . از طرف »

« دیگر آقای دکتر بهمن کریمی که آقای اورل اشتین را در مسافرتش «  
 « در ایران در سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی = ۱۳۱۴ خورشیدی برابر «  
 « ۱۹۳۵ میلادی همراهی میکرد در کتابی که به این مناسبت چاپ «  
 « کرده است اشاره مینماید که شهر کنونی شاپور (بیشابور) وسیله «  
 « شاپور اول روی خرابه های شهر قدیمی دیگر که در زمان اسکندر «  
 « ویران شده بود بناگشته است وجود آرامگاه سنگی بنام گوردختر «  
 « در دشت بسپره در مغرب جاده کازرون به فراشبند نیز دلیل دیگری «  
 « برای اثبات این مطلب بشمار میرود این آرامگاه شباهت زیادی به «  
 « آرامگاه کوروش کبیر در بازار گاد دارد و باز دلیل دیگر بوجود «  
 « راهی است که پادشاهان هخامنشی در این ناحیه از آن استفاده «  
 « میکردند زیرا این ناحیه قسمت غربی زادگاه ایشان و املاک «  
 « شخصی شهریاران نامبرده بوده است. با توجه بمراتب بالا میتوان «  
 « نتیجه گرفت که بین کازرون و فیروزآباد که در دو طرف آن آثار «  
 « هخامنشی وجود دارد فاقد آثاری از این دوران نمیشد و «  
 « مهنررسی کارهای ساختمانی خود را در فیروزآباد و فراشبند که «  
 « در آنجا آثاری از دوران هخامنشی وجود داشته ادامه داده است »<sup>۱</sup>

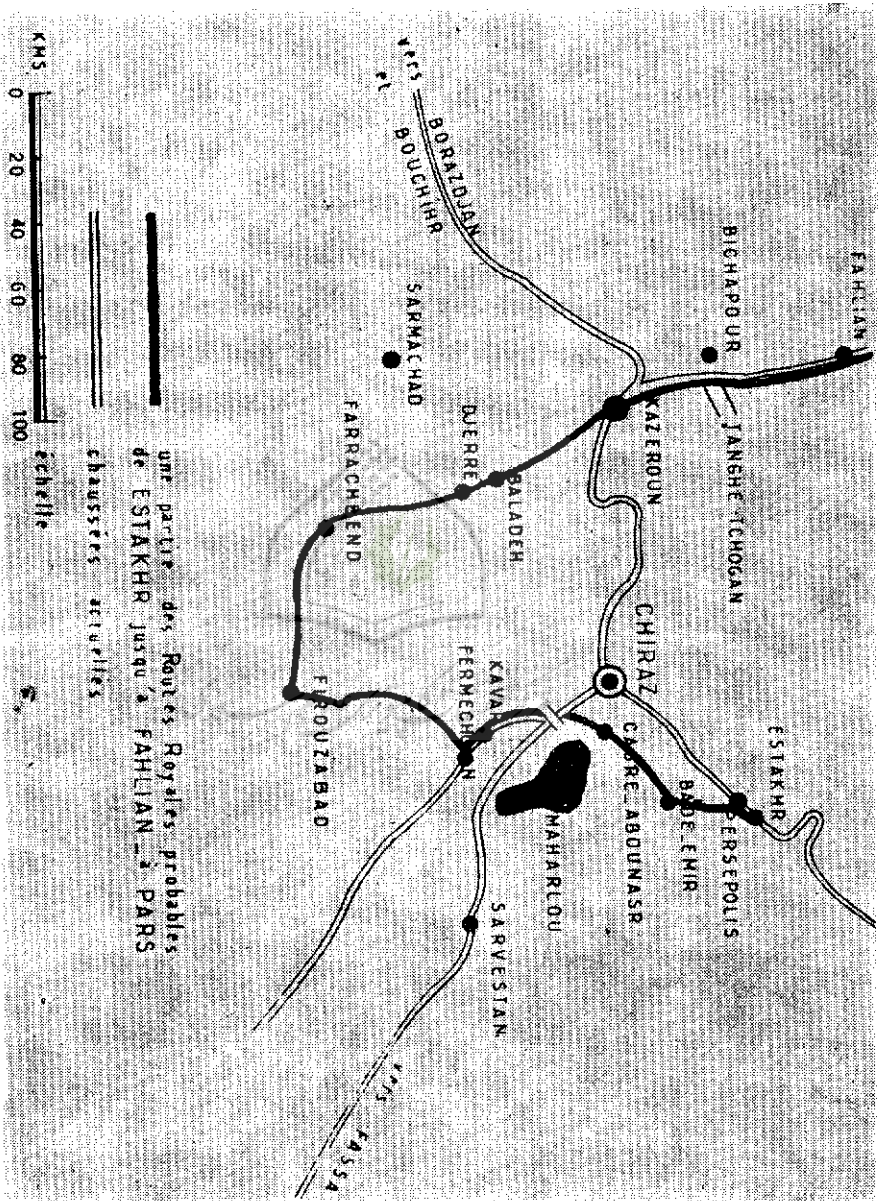
قبل از آنکه راجع به منزلگاه گچکران سخن بمیان آید جادارد  
 از منزلگاههای دیگر که کشف گردیده است و کم و بیش آثاری از آنها  
 باقیمانده است صحبت شود .

قصر ابونصر (یا تخت ابونصر)

در کتاب اقلیم پارس تألیف سید محمد تقی مصطفوی صفحه  
 ۷۷ چنین آمده است :

بمسافت شش کیلومتری در مشرق شیراز بر بالای تپه بقایای

۲- نقل از متن سخنرانی آقای سید محمد تقی مصطفوی . رجوع شود به  
 پاورقی شماره ۱



1 oshon 4000

ابنیه و حصار سنگی و دیوارهای آجری و ساختمانهای خشتی و آستانه‌های سنگی فرو افتاده و چند قطعه نقوش برجسته از نوع نقوش تخت جمشید دیده میشود. از نقوش برجسته و آستانه‌های سنگی عهد هخامنشی فقط يك آستانه بر سرپا مانده. نقش خدمتگزاری که ظرفی در دست دارد بر دیواره‌های آن حجاری گردیده است و بعقیده برخی دانشمندان قطعات مزبور را از تخت جمشید بمحل فوق‌الذکر آورده مورد استفاده مجدد قرار داده‌اند ولی این عقیده صحیح نیست و در قصر ابونصر بنای اصلی از دوران هخامنشیان وجود داشته است در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ شمسی (۲۴۹۱ تا ۲۴۹۳ شاهنشاهی = ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ میلادی) از طرف هیئت علمی موزه متروپولیتن نیویورک کاوشهای علمی در آنجا صورت گرفت و نمونه‌های سفال و قطعات ظروف سنگی عهد هخامنشی با سکه‌ها و آثار دیگری از عهد سلوکی و اشکانی و ساسانی کشف گردید.

### تپه حکوان

در شماره اول مجله باستانشناسی (بهار و تابستان ۱۳۳۸) در صفحات ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ در ذیل گزارشی از اداره آثار تاریخی فارس بقلم آقای علی سامی چنین آمده است :

فرمشگان یا پرمشگان جزء بلوک کوار و از چند آبادی و قریه تشکیل میگردد. یکی از این دهات بنام حکوان یا (حخوان) نامیده میشود که سه کیلومتری شمال آن تپه نسبتاً بزرگ و مرتفعی است بنام همان ده یعنی تپه حکوان. این تپه ۱۵۰ × ۱۵۰ متر وسعت و از ۸ تا ۱۰ متر ارتفاع دارد و از ۱۵ کیلومتری کاملاً نمایان و ممتاز است. در روی همین تپه بقایای يك بنای هخامنشی با چند



تکه نقش پیداگردید . فاصله شیراز تا فرمشگان در حدود ۹۰ کیلومتر و از راه پل فسا - پل کوار بدانجا میروند .

### آغاز کاوش در تپه حکوان :

در اردیبهشت سال ۱۳۳۴ برحسب دعوت آقای جلال آرین مالک قسمت اعظم دهات فرمشگان گذار اینجانب<sup>۳</sup> به تپه حکوان افتاد وجود چند پارچه سنگ سفید تراشیده ظریف از سنگ سیاه درکنار امامزاده حکوان تأیید نمود که تپه نامبرده مربوط بدوره هخامنشی بوده و چنانچه آثاری در زیر آن نهفته باشد مربوط بتمدن آن عصر درخشان خواهد بود .

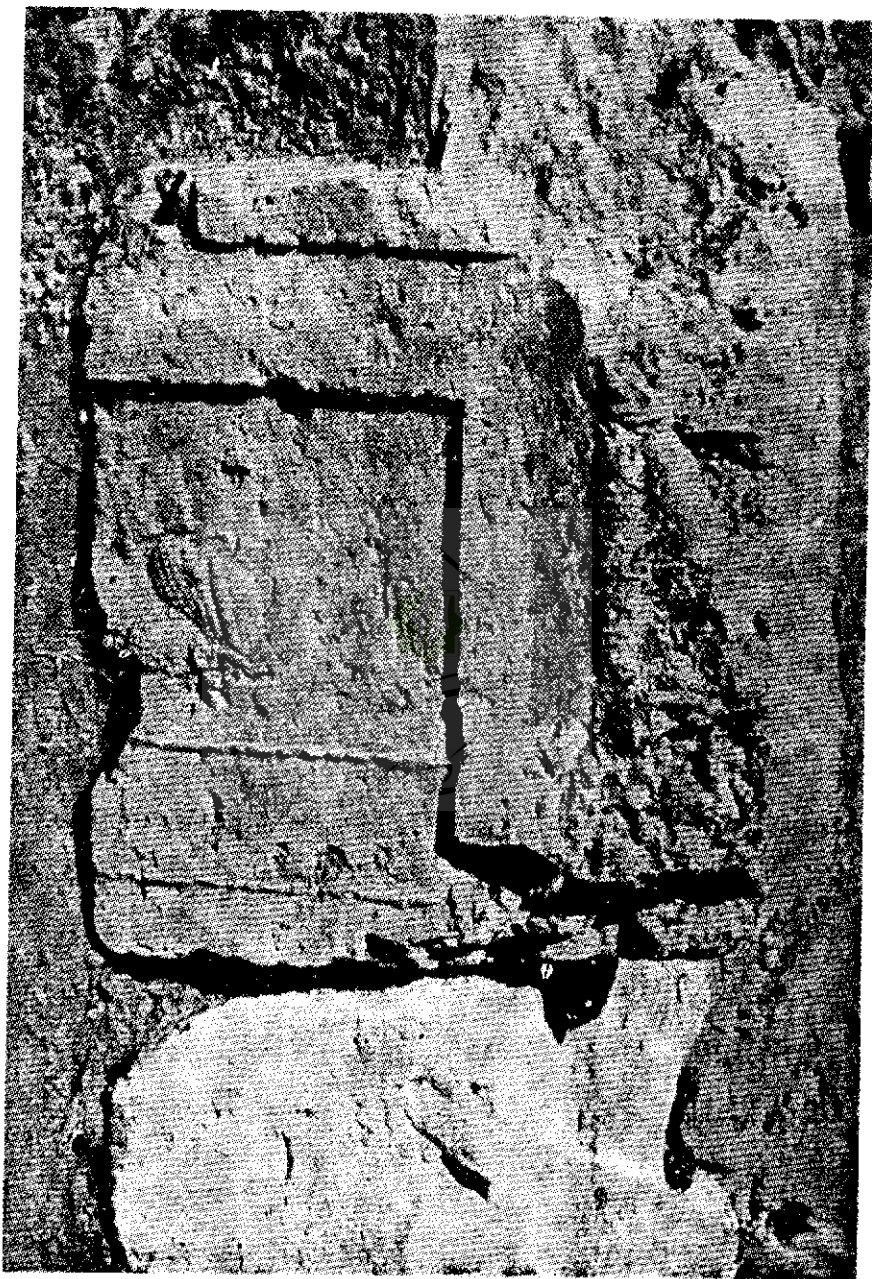
چندی از این دیدارگذشت و پیوسته از طرف مشارالیه عنوان کاوشهایی در آنجا میشد تا زمستان سال ۱۳۳۷ در اثر پیدایش تکه سفال شکسته منقوش پیش از تاریخ درپای همان تپه در عمق چهارمتری سبب گردید که مشارالیه از اداره باستانشناسی فارس پروانه کاوش تقاضا نماید و اداره کل باستانشناسی نیز با یک گمانه زنیهای یکماهه و روشن ساختن وضع محل موافقت نمود . در نتیجه گمانه زنی چند روزه آثاریک بنای هخامنشی در روی تپه نمودار گردید . سنگهای این بنا از قبیل سنگ سفید مرمری نظیر سنگهای بکار رفته در کاخهای کورش کبیر در بازارگاد میباشد و در جاهائیکه دیوار با خشت بوده است چند ردیف خشت های اولیه بنامشهود و از زیر خاک بیرون آمده است ولی جاهائیکه درگاه سنگی داشت سنگهای آن از جای خود برداشته شده و بعضی را در جاهائی در روی همان تپه به وضع نامرتبی مجدداً کارگزارده اند .

۳- آقای علی سامی .

## نقش سرباز نیزه دار

در جنوب بنای هخامنشی ولی نه در جای اصلی خود چند پارچه سنگ سفید تراشیده تشکیل پایه حصار را میدهد که ضمن آن نیز یک تکه سنگ بابعاد  $۹۵ \times ۸۵$  سانتیمتر و قطر ۶۷ سانتیمتر جلب توجه را مینماید. (عکس شماره ۱) روی این قطعه سنگ سفید قسمتی از نقش یک سرباز نیزه دار (سروگردن و کمی از سینه و پشت) و قسمتی از ترکش و بالای نیزه اش دیده میشود. وجود نقش قسمتی از بالای نیزه در برابر این سرباز مینمایاند که یک سرباز دیگر رو بروی آن بوده است که شکسته و مفقود شده و چه بسا که چنانچه تمام تپه خاکبرداری و کاوش شود قطعه دیگر این نقش و سایر قطعات نقوش بکاررفته درین بنا اگر از دست ابناء روزگار جانی بدر برده باشد از زیر خاک نمودار گردد این نقش با نقش دیگر رو برویش مربوط. بدرگاه ورودی تالار بوده است که در داخل درگاه نمایان شده (مانند درگاه شمالی کاخ صد ستون که عده ای پاسداران مادی و پارسی رو بروی هم حجاری گردیده است). شبیه این نقش بردیوار پلکانهای شرقی و شمالی کاخ معظم آپادانای تخت جمشید بتعداد زیادی در سه ردیف منقوش است و محققین و باستان شناسان آنها را سربازان خوزی دانسته اند. ضمن کاوش هیئت علمی فرانسوی در شوش (که به سال ۲۴۴۵ شاهنشاهی برابر ۱۲۶۵ خورشیدی = ۱۸۸۶ میلادی تحت نظر مارسل دیولافوا انجام میگرفت) ۲۱ نقش کاشی از سربازان جاویدان نیزه دار بدست آمد که از جمله مهمترین و جالبترین نتایج کاوشهای شوش بوده و هم اکنون در موزه لوورزینت افزای غرفه اشیاء ایران گردیده است و چون نقش برجسته این دسته

عکس شماره ۱ : نقش برجسته سرباز چوکیدان مکتشفه از تپه حوران در مشهدگان نقل از کتاب اولیم پارس تألیف سید محمد تقی مصطفوی



سربازان در تخت جمشید نیز در صف سربازان پارسی و مادی قرار گرفته‌اند و درین قسمت از خاک فارس (حکوان) بزیر درگاه يك بنای هخامنشی کاربرندی شده است نویسنده اینطور حدس میزند که همه آنان سربازان انزانی و یا اتشانی یعنی آن قسمت از عیلام و خوزستان بوده‌اند که پس از شکست عیلام بدست آشوریها بسا همکاری مادها و پارسها ، از زمان اجداد کورش کبیر ضمیمه حکومت پارس گردید و باین خاندان وفادار ماند و از همین لحاظ در صف سایر سربازان و نگاهبانان شاهنشاه قرار گرفت و همه جا حتی درین کاخ کوچک هم ضمن نقوش در صف مقدم و در درگاه قصر نقش گردیده است و الا تصور نمی‌رود که پاسداران عیلام آن مقام را دارا بوده باشند که همه جا در ردیف و دوش بدوش پاسداران پارسی و مادی قرار گیرند .

### يك نقش دیگر

در پائین تپه بر روی يك قطعه سنگ خاکستری رنگ گلهائی حجاری شده که بتدریج محو گردیده است و بزحمت نقوش آن دیده میشود يك نقش مخروطی بشکل سرودر وسط و طرفین پائین آنرا شبکه‌های گل زینت داده است ، این نقوش عیناً طرح گلهائی است که در نقوش تخت جمشید دیده میشود . (بلندی سنگ ۵۴ سانتیمتر و قطر آن ۴۵ سانتیمتر و شبیه زیرستون میباشد اندازه نقش روی سنگ ۵۲ سانتیمتر و عرض آن ۳۱ سانتیمتر است.)

مجسمه شیر سنگی نشسته :

يك مجسمه شیر سنگی در کنار امامزاده حکوان افتاده است که با آنکه سر و گردن آن شکسته و از بین رفته ولی ظرافت و استادی

که در حجاری آن بکاررفته هنوز مشهود و از سنگ سیاه بهمان ظرافت حجاری شیرهای مکشوفه در تخت جمشید است. اهالی محل باین شیردرکنارامزاده معتقداتی دارند.

«کشف بنای هخامنشی مزبور میرساند که همانطور که احتمال»  
 «داده میشد در مسیر راه شاهی بین تخت جمشید و شوش بناهای»  
 «کوچکی از آندوران جهت توقف و استراحت شاهنشاهان هخامنشی»  
 «ساخته بودند و استفادهٔ نهارخوری و شکارگاه هم از آنها میشده است»  
 «و با توجه باینکه مسافت تخت جمشید با قصر ابونصر تقریباً با»  
 «مسافت قصر ابونصر و تل حکوان (تپه حکوان) برابر است بخوبی»  
 «میشود احتمال داد که قصر ابونصر نخستین منزلگاه راه شاهی»  
 «فوق الذکر و تل حکوان دومین منزلگاه از جانب تخت جمشید»  
 «بوده است.»<sup>۴</sup>

#### منزلگاه فیروزآباد :

« در فیروزآباد جنب مناره بزرگ صفه ای است که از سنگهای»  
 «بزرگ سیاه تراشیده احداث گردیده است. جنس سنگ و سنگ تراشی و»  
 «رویم چیدن آن عیناً مانند حجاریهای هخامنشی است و مینمایاند»  
 «که ساختمان هخامنشی بوده که در زمان اشکانی و ساسانی نیز»  
 «با تغییرات مختصری قابل استفاده و دایر بوده است. وجودیک»  
 «قطعه از قلمه ستونی که دارای شیار است نظیر شیارهای حجاری»  
 «شده بر روی ستونهای تخت جمشید درکنار امزاده ای که ۳۰۰»  
 «متری همین صفه قرار دارد (امزاده جعفر) تأیید دایر بودن»  
 «این بنا را در زمان هخامنشی مینماید.»<sup>۵</sup>

۴- کتاب اقلیم پارس تألیف سید محمد تقی مصطفوی ص ۸۴.

۵- از شماره اول مجله پاستانسناسی صفحه ۱۶۰ و ۱۶۱ گزارشی از اداره آثار تاریخی فارس نوشته آقای علی سامی.

## منزلگاه بالاده (جره)

در کتاب اقلیم پارس و در صفحات ۸۶ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۳۶ راجع به آثار بنائی از دوره هخامنشی در بالاده صحبت بمیان آمده است و در مورد آن تأکید گردید . که یکی از منزلگاههای راهشاهی از تخت جمشید به شوش میباشد .

## منزلگاه سروان یا سورون :

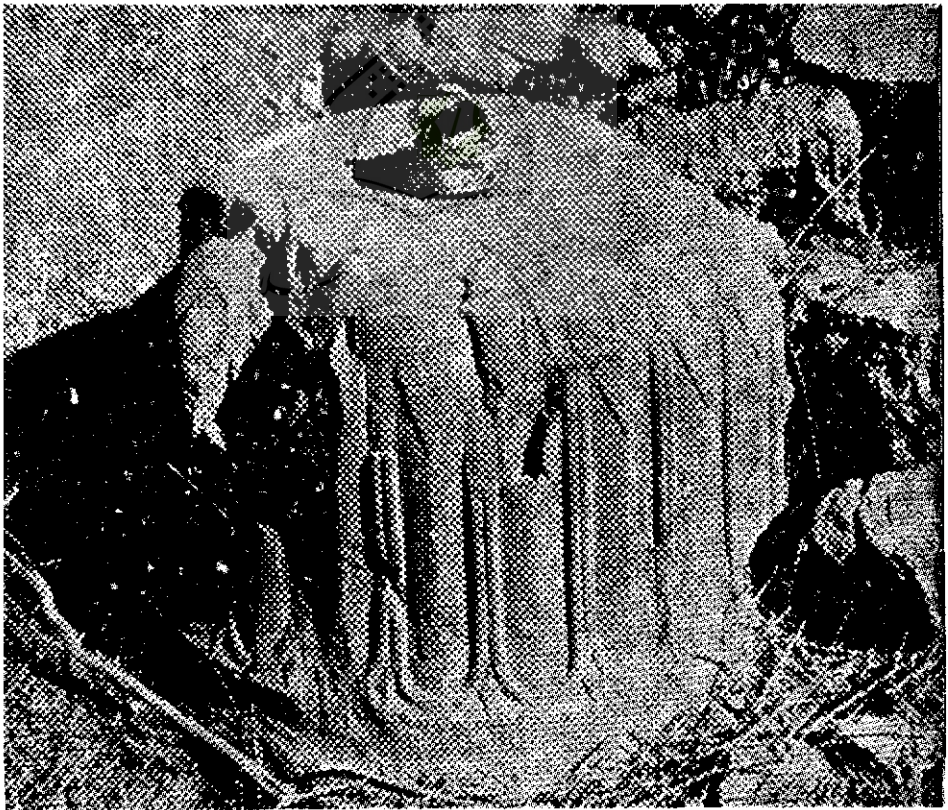
« فهلپان به مسافت ۷۴ کیلومتری شمال غربی کازرون واقع گردیده است از نورآباد بانجا در حدود ۱۲ کیلومتر است ، چون از نورآباد بفهلپان بروند و از فهلپان به آبادی بنام جنجان یا «جنجن در شش کیلومتری مغرب فهلپان عزیمت نمایند پس از «آبادی اخیر به آبادی سریشه و از آنجا بقلعه نو و سپس به آبادی «سروان میرسند . »

«ویرانه‌های مهمی از عهد هخامنشی در مجاورت آبادی «سروان وجود دارد و ته ستونهایی که قطر هر کدام قریب ۹۰ سانتیمتر بوده و از لحاظ طرح و حجاری نظیر ته ستونهای تخت جمشید و مزین به گلهای شبیه زنبق (لتوس) میباشد از جمله «بقایای کاخ سلطنتی هخامنشی موجود در آنجا بنظر میرسد و «بدیهی است یکی از محلهای مناسب کاوش علمی مفید بنحوی «که آثار مدفون در خاک پس از کشف بوضع شایسته نگهداری شود» و در معرض آسیبهای مختلف قرار نگیرد در مکان مزبور خواهد بود . »

«باتوجه بآنچه درباره آثار هخامنشی در قصر ابونصر و تل «حکوان و فیروزآباد و بالاده سابقاً مذکور شد چنین بنظر میرسد «که خط سیر جاده شاهی از تخت جمشید به شوش از نقاط فوق»

«میگذشته است و مابین بالاده و سروان در محل ویرانه‌های شهر»  
 «شاپور کازرون هم منزلگاه دیگر و اینیه‌ای از عهد هخامنشی»  
 «وجود داشته است و کاخ هخامنشی سروان منزلگاه بعدی بوده»  
 « است . »

«در حال حاضر محل ویرانه‌های منزلگاه سروان بنام امامزاده»  
 «اسمعیل خوانده شده زیارتگاه مردم آن سامان گردیده است و»  
 «دوروبرته ستونهای سنگی عهد هخامنشی سنگ چین و چوب و»  
 «کتری و ظرف و شمع میگذارند و نیاز میجویند» (عکس شماره ۲)



عکس شماره ۲ - ته ستون منزلگاه سروان که اینک زیارتگاهی بنام امامزاده اسمعیل میباشد نقل از کتاب اقلیم پارس تألیف سید محمد تقی مصطفوی

## منزلگاه گچکران (تل کاخداداد)

بعد از منزلگاه بیشابور و قبل از منزلگاه سروان منزلگاه گچکران در محوطه شرکت زراعی گچکران و در جنوب قریه‌ای بهمین نام قرار دارد. این منزلگاه در دل تپه‌ای بنام کاخداداد تا به امروز حفظ شده، و در نتیجه خاکبرداری شرکت زراعی فوق الذکر کشف گردیده است.

انتخاب نام گچکران برای این منزلگاه همانا نزدیکی آن به قریه گچکران است. و وجه تسمیه این قریه بدین سبب است که زمینهای آن از دور بسفیدی میزند.

منزلگاه گچکران که در قلب شرکت زراعی ای بهمین نام واقع شده است قدیمترین لایه باستانی تل کاخداداد میباشد که با بررسی دقیق طول و عرض آن در حدود  $79.5 \times 85$  متر معین گردیده است. تیغه بلدوزر لایه‌های دیگر این تپه را از بین برده است و فقط از جبهه شمال غربی آن ارتفاعی در حدود ۱۵ متر باقیمانده است.

همانطور که گفته شد منزلگاه گچکران در جنوب قریه گچکران و در شرق دشت نورآباد ممسنی واقع است که دشت مذکور توسط کوههای شاه نشین، کوه تخت سفید، کوه سموله، کوه شیرمرد و کوه گل باکان محصور میباشد. این منزلگاه توسط يك راه فرعی که اخیراً احداث شده است با جاده شیراز - ممسنی (جاده خوزستان) ارتباط پیدا می‌کند و فاصله آن تا شهر نورآباد قریب ۶ کیلومتر میباشد. در آخرین حد غربی این منزلگاه جاده گچکران - ابیون کشیده شده است. و قریه ابیون بفاصله تقریبی ۷۰۰ متر در جنوب شرقی این محوطه باستانی واقع گشته است. رودخانه



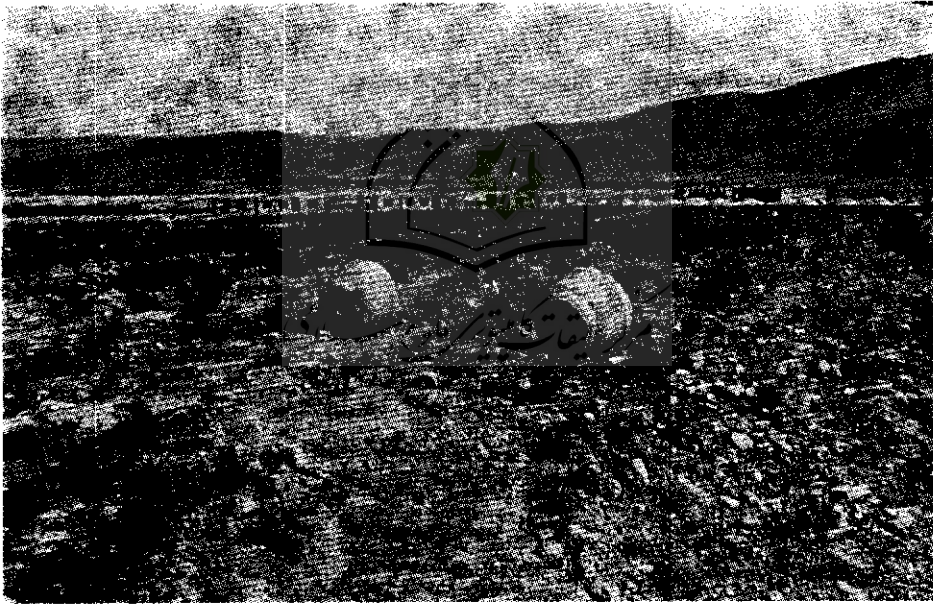
دروغزن<sup>۶</sup> در شرق این اثر باستانی و بفاصله کمی جریان دارد که از کوههای جنوب قریه ابیون جاری و ادامه آن در جنوب قریه گچکران روان است. علت انتخاب این نام شاید بسبب طغیانهای نابهنگام و عدم اطمینان به جریان آن باشد.

همانطور که در فوق مذکور شد کشف آثار باستانی گچکران اتفاقی و نتیجه عملیات تسطیحی شرکت زراعی گچکران بود. این عملیات منجر به پیدا شدن دو پایه ستون از سنگ همانند پایه ستونهای زنگی شکل تخت جمشید شد. این دو پایه ستون که حجاری آن استادانه انجام گرفته است میباید در کارگاههای سنگتراشی تخت جمشید ساخته شده باشد چه تراش آن در این منطقه بعید بنظر میرسد.

۶- کلمه دروغزن با تغییری که در طول زمان پیدا کرده است از عهد هخامنشیان باقیمانده است ایرانیان باستان دروغ را زشت ترین پدیده اهریمن میدانستند و از هیچ چیز باندازه آن نفرت نداشته اند. چنانکه در کتیبه های هخامنشی در مذمت آن و کیفر دروغ گویان بارها سخن میان آمده است در کتیبه بیستون داریوش اول از ۹ تن که خود را بدروغ شاه خوانده اند سخن میگوید و آنها را کیفر میدهد و حتی شاهان آینده را نصیحت میکنند که از دروغ دوری کنند و دروغزن را کیفر سخت دهند در کتیبه تخت جمشید داریوش شاه گوید «باین کشور نیاید نه دشمن نه خشکسالی نه دروغ».

(بند سوم کتیبه داریوش اول بالای تخته سنگ بزرگ جنوبی صفا تخت جمشید).  
در نکوهش و مذمت دروغ در هر میشت فقره ۱۸ و ۱۹ و ۲۸ و ۲۲ و آبان پشت کرده ۶ فقره ۲۲- کرده ۹ فقره ۳۴ کرده ۱۰ فقره ۳۸ کرده ۱۷ فقره ۶۸ کرده ۲۱ فقره ۹۴ کرده ۲۵ فقره ۱۰۹ کرده ۲۶ فقره ۱۱۳ و گوش یشست = درواسپ یشست کرده ۳ فقره ۱۴ و مهر یشست کرده ۱ قطعه ۳۰۲ کرده ۵ قطعه ۱۷ و ۱۸ کرده ۶ قطعه ۲۲ و ۲۳ کرده ۷ قطعه ۲۶ کرده ۹ قطعه ۳۷ و ۳۸ کرده ۱۰ قطعه ۴۵ کرده ۱۷ قطعه ۶۸ کرده ۲۰ قطعه ۸۰ کرده ۲۲ قطعه ۸۶ کرده ۲۳ قطعه ۹۳ کرده ۲۴ قطعه ۹۷ کرده ۲۵ قطعه ۹۹ کرده ۲۷ قطعه ۱۰۵ - ۱۰۷ - ۱۰۸ کرده ۳۱ قطعه ۱۳۴ و سروش یشست هادخت کرده ۱ قطعه ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ کرده ۲ قطعه ۱۰ کرده ۳ قطعه ۱۴ سخن میان آمده است.

وجود این منزلگاهها که با مسافتی بین ۴۰ الی ۶۰ کیلومتر از هم قرار دارد و میباید در طول راه شاهی به تعداد زیادی از آنها برخورد نمود این فکر را پیش میآورد که همزمان با احداث تخت جمشید عملیات ساختمانی بفرمان شاهان هخامنشی برای هماهنگی با عظیمترین بنای تاریخی ایران در دیگر نقاط کشور انجام گرفته است. این دو پایه ستون توسط بلدوزر به ۱۰۰ متری محوطه باستانی گچگران انتقال یافته بود. (عکس شماره ۳)



عکس شماره ۳ پایه ستونهای مکشوفه که توسط کارگران شرکت زرعی گچگران به ۱۰۰ متری محل اصلی برده شده بود

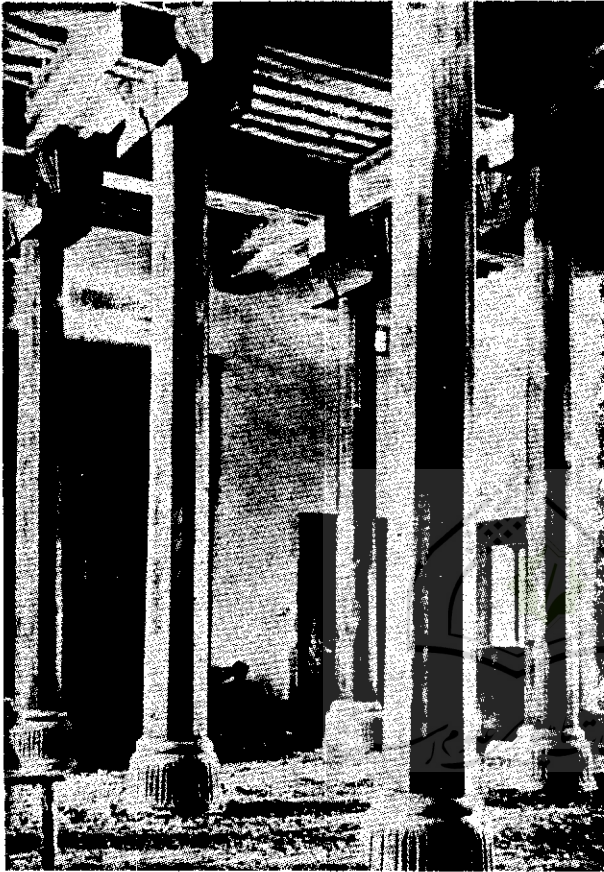
بر بدنه این پایه ستونهای زنگی شکل اثر تیغه بلدوزر دیده میشود. دو پایه ستون مذکور در زیرشالی دارای یک ردیف نقش گل شبیه گل نیلوفر است (عکس شماره ۴) که بصورت زنجیر بیکدیگر متصل میباشد و شبیه آنها در تخت جمشید زیاد دیده میشود.



عکس شماره ۴ : زیر  
شال يك ردیف گل  
شبيه گل نیلوفر دیده  
میشود

در سطح شال ستون و پاکار این پایه ستونها در هر طرف يك سوراخ مربع دیده میشود . که احتمال می‌رود سوراخ شال و ستون جهت استقرار زبان‌های از بدنه ستون که از چوب بوده است باشد . بدنه ستونهای این منزلگاه تصور می‌رود به بدنه ستونهای کاخ حرمسرای خشایارشا (عکس شماره ۵) که بازسازی شده شباهت داشته است . (بدنه چوبی این ستونها دارای شیارهای طولی است) و در غیر اینصورت ممکن است شبیه بدنه ستونهای خزانه تخت جمشید باشد که از چوب بوده و روکشی از گچ داشته است .

پاکار این پایه ستونها تا اندازه‌ای زبره تراش میباشد که



عکس شماره ۵  
حرمسرای خشایارشا  
(نالار مرکزی)

به استقرار و استحکام ستونها کمک میکرد است .

مشخصات پایه ستونهای مکشوفه بدین قرار است :

ارتفاع پایه ستون از محل پاکار تا سطح شال ستون ۵۶ سانتیمتر

قطر پایه ستون در محل پاکار ۸۰ سانتیمتر

قطر شال ستون ۵۸ سانتیمتر

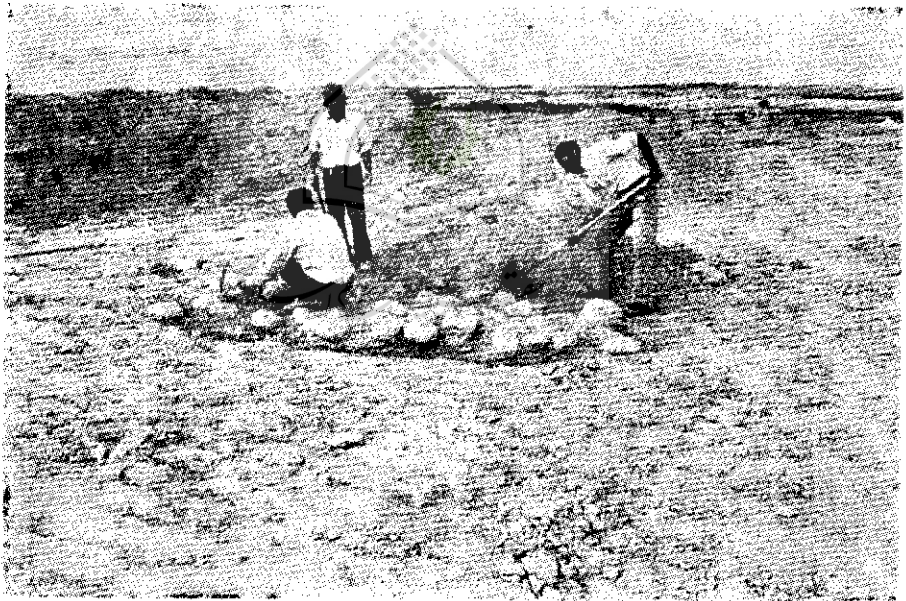
سوراخ روی شال ستون  $۱۰ \times ۱۰ \times ۶$  سانتیمتر

سوراخ سطح پاکار پایه ستون  $۱۱ \times ۱۱ \times ۱۰$  سانتیمتر

عملیات تسطیحی تاکف منزلگاه وحتى تا پاکار دیوارهای آن

انجام گرفته است . پاکاردیوارها از قلوه سنگ و به احتمال زیاد از رودخانه دروغزن تأمین شده است .

جهت روشن شدن این محوطه باستانی عملیات پیگردی در جاهائیکه قلوه سنگهای پاکار این بنای هخامنشی تا اندازه ای مشخص شده بود انجام یافت . (محوطه پیگردی بطول ۴۲۵ متر و عرض ۱۸۵ متر بود) در ابتدا در شمال این محوطه عملیات خاکبرداری صورت گرفت که پاکار قسمتی از یک دیوار مشخص گردید (عکسهای شماره ۶ و ۷)

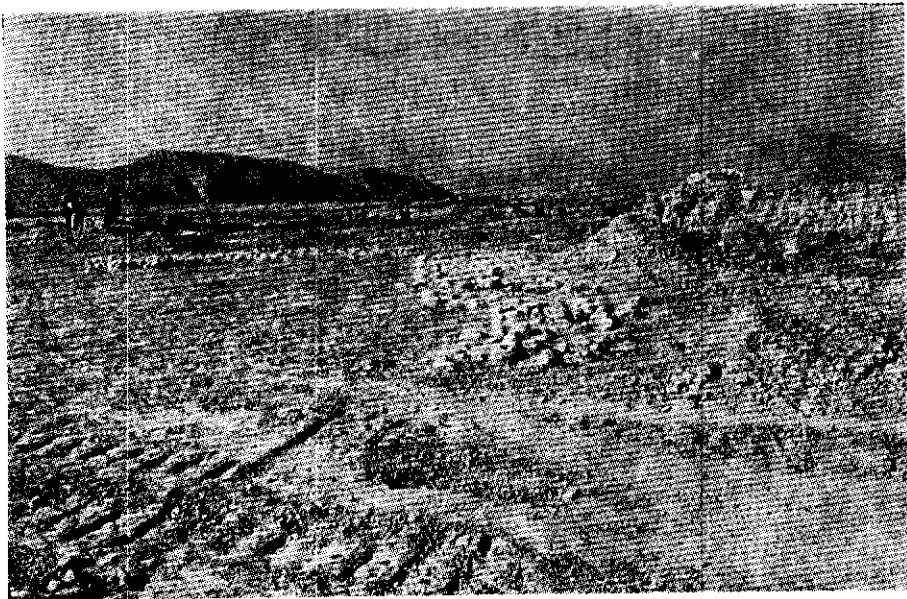


عکس شماره ۶ - پاکار دیوار شمالی در حین پیگردی

سنگهای پاکار این دیوار تقریباً بیک اندازه انتخاب شده بود و آنرا یوسيله ملات گل کارگزارده بودند . این پاکار به سمت غرب محوطه باستانی کشیده شد که در نتیجه دوجیمه این منزلگاه بقطر تقریبی ۲ متر مشخص گردید . (عکس شماره ۸)



عکس شماره ۷ - قسمت اصلی دیوار شمالی بعد از خاکبرداری

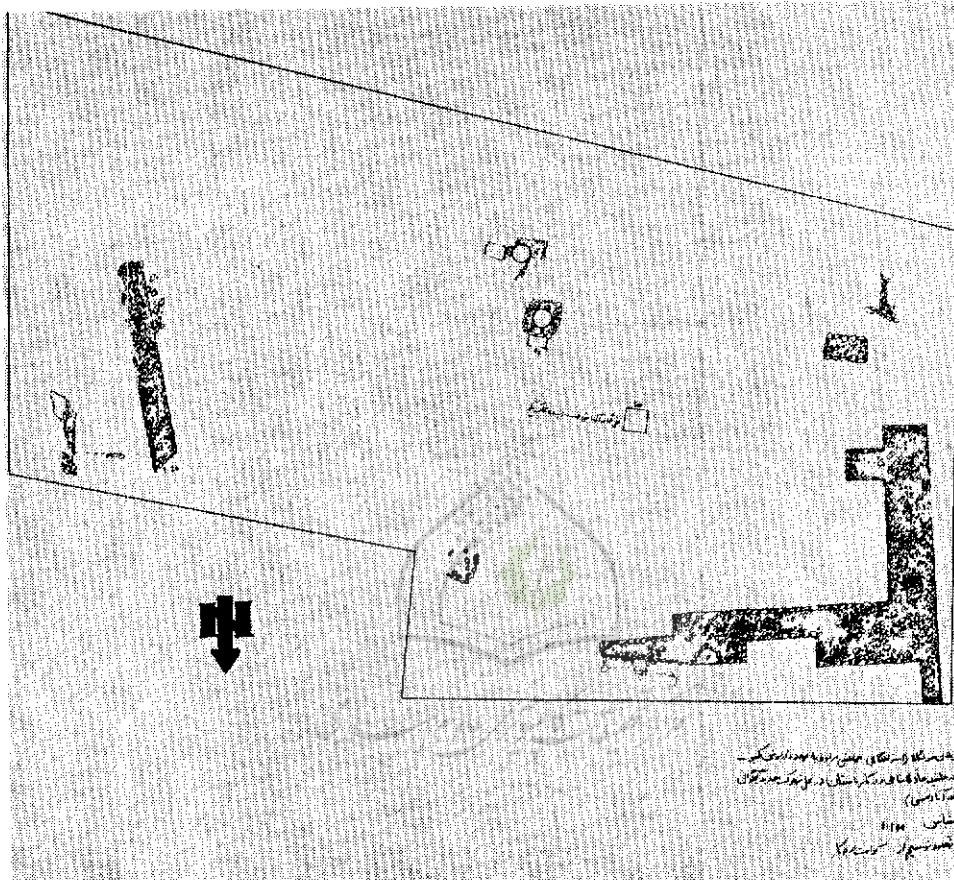


عکس شماره ۸ - پاکار دیوار های شمالی و غربی منزلگاه گچکوران

در شمال غربی و درست در سطح گردش این دو دیوار یک ردیف خشت بدست آمده که نشانگر مصالح عمده این منزلگاه شاهی است. جبهه خارجی این دیوارها در فواصل معین بصورت پیشامدگی و فرو رفتگی درآمده بعبارت دیگر بصورت سرپایه بنا گردیده است. در جبهه شرقی محوطه پیگردی پاکار دیوار دیگری کشف شد (عکس شماره ۹ و نقشه شماره ۲) که با کشف آن تا اندازه ای طول



عکس شماره ۹  
دیوار شرقی  
منزلگاه میجران

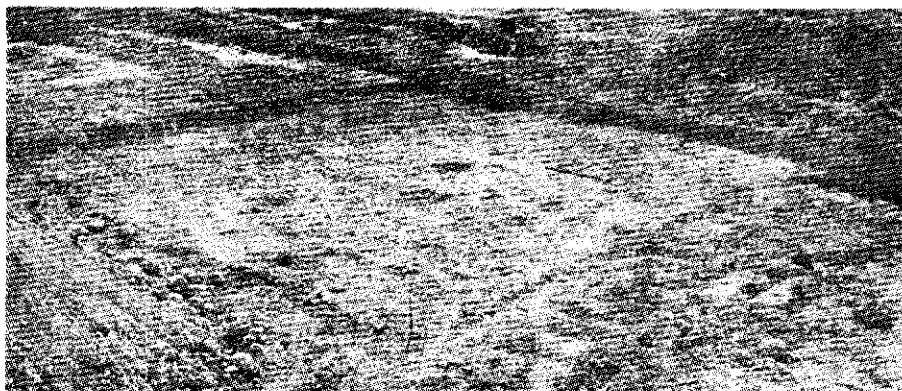


نقشه شماره ۲ نقشه منزلگاه گجگران . ترسیم از گرامتاله جوکار

و عرض این منزلگاه شاهی روشن میگردد .

در فاصله بین دیوارهای شرقی و غربی زیرکف بنا کاه دارایی لایه سوختگی بود یک لایه نازک شن ریزی شده پدیدار گردید و معلوم داشت که این نوع کف سازی در دوره هخامنشی معمول بوده است . بطوریکه میتوان چنین کف سازی را در تخت جمشید و شوش دید . (عکس شماره ۱۰) پس از این لایه شن ریزی شده خاک بکر قرار دارد .





عکس شماره ۱۰ - کف شن‌ریزی شده منزلگاه میجران

در حین خاکبرداری در محوطه بین دیوارهای شمالی و غربی و شرقی به محل اصلی پایه ستونهای سنگی برخورد نمود که این قسمت در جبهه جنوبی محوطه خاکبرداری شده قرار داشت. پس از آنکه مسلم‌گردید که دو محل پیدا شده محل استقرار دو پایه ستون است پایه ستونهای مذکور به جای اولیه انتقال و استوار گشت . ( عکسهای ۱۱-۱۲ )

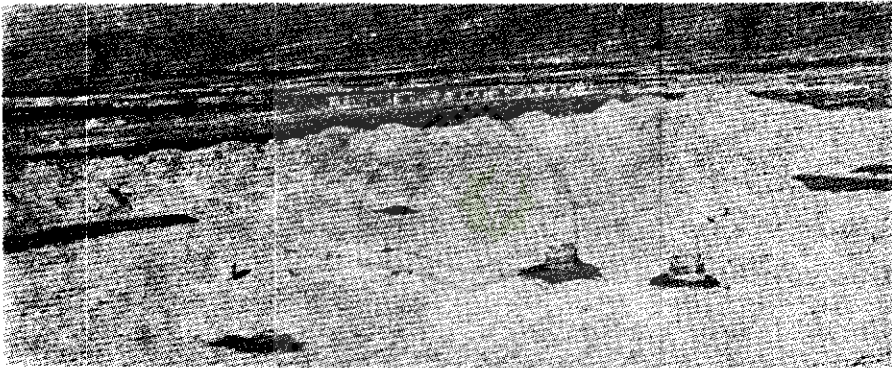
در حین خاکبرداری اولیه توسط بلدوزر به شال ستون و تعدادی آجر دست یافتند<sup>۷</sup> این شالها مربوط به پایه ستونی آجری بوده است که در حجمهای مسکونی همجواری مرکز اصلی این منزلگاه که دو پایه ستون مجلل داشت بکار برده شده بود .

ضمن پیگردی منزلگاه مذکور قطعه آجری کشف گردید که در سطح آن اثر پای راست انسانی افتاده بود که احتمالاً اثر پای کارگر خشت‌زن کوره آجرپزی بوده است . این اثر که یادگار انسانی از عهد هخامنشیان میباشد به بیشابور انتقال داده شد . ( عکس شماره ۱۳ )

۷- شال ستون توسط آقای سرفراز به بیشابور انتقال داده شده است .



عکس شماره ۱۱- پاکاردو پایه ستون منزلگاه گچگران- در بالای عکس دوپایه ستون مذکور دیده میشود که به نزدیکی محل اصلی انتقال یافته است .



عکس شماره ۱۲- استقرار پایه ستونها در محل اصلی وانود پاکار آنها با گاهگل جهت حفاظت بیشتر



عکس شماره ۱۳ - اثر پا بر سطح آجر